

## سیره اعتدالی پیامبر اعظم ﷺ در رفتار با منافقین

سید علیرضا سجادی<sup>۱</sup>

### چکیده

اعتدال در سبک زندگی یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت جوامع بشری است. مخاطب اعتدال رفتاری حضرت ﷺ در یک دسته‌بندی به مؤمن، کافر و منافق تقسیم می‌شوند و اعتدال در مواجهه با هر کدام، اقتضای خود را دارد. این مقاله به سیره رفتاری پیامبر ﷺ با منافقین می‌پردازد. مراد از منافقین آن دسته از مسلمانان زمان پیامبر ﷺ هستند که تظاهر به اسلام نموده، ولی دست به تخریب، نافرمانی و آزار می‌زدند. در این مقاله در بحث اعتدال رفتاری، الگو بودن پیامبر ﷺ برای بشریت بر اساس بیان قرآن پیش‌فرض است، ولی بر اساس عقل و عرف نیز بررسی می‌شود. این مقاله به روش کتابخانه‌ای تدوین شده است. نتیجه نظری آن بیان می‌کند که رفتار پیامبر ﷺ بر اساس اصول تغییرناپذیر و به حسب مقتضیات، متفاوت می‌باشد و می‌توان اعتدال را به عنوان یک اصل مشخص از آن اتخاذ نمود. نوآوری این پژوهش از چند جهت می‌باشد:

۱. رویکردی: بررسی سیره اعتدالی پیامبر ﷺ بر اساس قرآن، روایات و گزارشات تاریخی و

عرف؛

۲. موضوعی: پرداختن به بعد اعتدال در سیره پیامبر ﷺ نسبت به منافقین؛

۳. زمانی: بررسی وجود نفاق در تمام دوران نبوت پیامبر ﷺ (مکه و مدینه).

واژگان کلیدی: اعتدال، منافقین، سیره نبوی، اعتدال در سیره پیامبر ﷺ.

---

۱. دانش پژوه سطح ۴، تاریخ و سیره پیامبر اکرم ﷺ.

## مقدمه

اعتدال، موضوعی دقیق و گستره آن تمام ابعاد رفتاری زندگی بشر است. شناخت رفتار معتدل در تعامل با دیگران با معیارهای مختلفی بررسی می‌شود، اما اعتدال رفتاری در تعامل با منافقین از این جهت که نفاق امری باطنی است، پیچیدگی‌هایی دارد. یکی از اقصاری که پیامبر ﷺ با آنان تعامل دارند منافقین هستند که در طول تمام دوران نبوت پیامبر حضور داشته‌اند. در این نوشتار سعی می‌شود تا مصادیقی از سیره رفتاری پیامبر با منافقین که با نگاه عقلی و عرفی هر انسانی، میانه‌روی و اعتدال محسوب می‌شود را بیان و به دو طرف افراط و تفریط آن نیز اشاره شود، لکن نباید این اصل را فراموش نمود که اعتدال در سیره رسول الله ﷺ مبنای قرآنی دارد<sup>۱</sup> و افراط و تفریط دور از شأن ایشان است.

در پژوهش حاضر این مسأله نیز بررسی می‌شود که عقل و سیره عقلاء در امور جزئی همچون تعیین معیار اعتدال در سیره رفتاری صلاحیت ذاتی نداشته و احتمال اشتباه دارد، ولی تشخیص سیره اعتدالی به کمک اصول عقلی متصل به وحی امکان‌پذیر می‌باشد. بررسی این موضوع از آن جهت ضروریست که در صورت فقدان معیار صحیح در رفتار با منافقین، شناخت فضای غبارآلود تاریخ مشکل است و از آنجا که منافقین در صدد ضربه به جامعه اسلامی هستند موضع‌گیری غیر صحیح در برابر آن‌ها آسیب‌های جدی در بر خواهد داشت. این پژوهش مواردی از رفتار پیامبر ﷺ با منافقین را بیان نموده که می‌توان از آن به‌عنوان معیار اعتدال در شناخت بصیرتی بهره برد و از آنجا که در هر عصر نفاق آفت ایمان بوده، سیره اعتدالی پیامبر ﷺ در این زمینه می‌تواند چراغ راهی برای

۱. احزاب: آیه ۲۱، ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

آحاد جامعه و حکمرانان باشد. در این مقاله در بررسی سیره رفتاری پیامبر با منافقین؛ اینکه رفتار پیامبر با منافقین چگونه بوده؟ آیا رفتار با منافقین معتدل بوده؟ آیا ملاکی برای اعتدال رفتاری به دست می‌آید؟ اساساً آیا منافقین در مکه و مدینه حضور و فعالیت داشتند؟

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. اعتدال در لغت و اصطلاح

ابن منظور اعتدال را این‌گونه بیان می‌کند: اعتدال در لغت، به معنای رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی می‌باشد.<sup>۱</sup> واژه اعتدال از (عدل) گرفته شده و عدل، در لغت، به معنای میانه‌روی است و مفهوم مساوات نیز از آن فهمیده می‌شود.<sup>۲</sup> شهید مطهری رحمته الله در تعریف اعتدال می‌گوید: دور بودن از افراط و تفریط و پرهیز از کندروی و تندروی و چپ‌روی و راست‌روی را می‌گویند.<sup>۳</sup> در این نوشتار موضوع اعتدال را به معنای میانه‌روی و در واقع همان عدل در نظر گرفته و این پیش‌فرض وارد بحث مد نظر قرار دارد.

### ۱-۲. نفاق در لغت و اصطلاح

در اشتقاق واژه «نفاق»، فرهنگ‌نویسان عربی دو وجه ذکر کرده‌اند. برخی نفاق را برگرفته از کلمه «نقق» به معنای «سوراخی در زمین که راه نجاتی به مکان دیگر دارد» می‌دانند و بعضی دیگر آن را مشتق از کلمه «نافقاء» به معنای محلی از لانه موش، معنا کرده‌اند. در این محل خاص، موش زمین را از یک طرف سوراخ

۱. ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۱۱، ص ۴۳۳.

۲. قرشی، سید علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، ص ۳۰۱.

۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲۱، ص ۶۱.

می‌کند به حدی که نزدیک است به قشر زمین برسد، ولی آن را سوراخ نمی‌کند.<sup>۱</sup> این منظور بعد از تعریف واژه نفاق می‌نویسد: نفاق اصطلاحی اسلامی است که عرب از قبل، آن را به معنای خاص نمی‌شناخته است و معنای نفاق این است که کسی کفر خود را پنهان می‌دارد و ایمان خود را آشکار می‌کند، هر چند این اصطلاح در اصل زبان معلوم باشد.<sup>۲</sup>

### ۱-۳. سیره نبوی در اصطلاح

مراد از سیره نبوی، سبک و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در ابعاد مختلف عبادی، سیاسی، فرهنگی و غیر آن است.<sup>۳</sup>

علامه سید جعفر مرتضی نقشبند در توضیح سیره نبوی می‌گوید:

پیامبر انسانی معصوم از خطا، بری از تجاوز، کامل‌ترین و با فضیلت‌ترین در بین خلایق است؛ و بخاطر این خداوند، پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله را الگوی ابدی انسان قرار داد و واجب نمود بر آنها که اقتدا کنند به او در همه امور حتی در جزئیات اعمالشان. سپس خدای متعال فرمود: به تحقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما الگوی نیکوست.<sup>۴</sup>

### حضور منافقین در عصر نبوی

#### حضور منافقین در مکه قبل از هجرت

قبل از ورود به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله لازم است وجود منافقین به ویژه در ابتدای بعثت بررسی شود. حضور منافقین در مکه در شرایطی که اسلام به قدرت

۱. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۸۲۵.

۲. ابن منظور، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه فارسی، ج ۴، ص ۵۷۴.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۱، ص ۲۱.

نرسیده و مسلمانان در محدودیت‌اند از نظر عرفی بعید به نظر می‌رسد که در افراد بی‌ایمان انگیزه‌ای باشد تا نفاق بورزند.

برخی از مفسران معتقدند که نفاق منحصر به بعد از هجرت و شروع آن در مدینه بوده و این عبارت «النفاق حدث بالمدينة»<sup>۱</sup> یا «و لم یکن بمکة نفاق و إنما حدث بالمدينة»<sup>۲</sup> در کتب آنان به‌عنوان اصل مطرح است. علی‌رغم اقوال برخی بر عدم وجود نفاق در مکه به جهت عدم انگیزه این قول نیاز به بررسی دارد.

نفاق در عصر پیامبر پدیده‌ای است که از نگاه برخی صرفاً معلول ترس و از دید برخی معلول عواملی چون طمع، ترس و اخلال و انحراف در مسیر انبیاء ﷺ است. بنابر نگاه اول نفاق منحصر در بعد هجرت و طبق نگاه دوم وجود نفاق پیش از هجرت نیز بعید نیست.

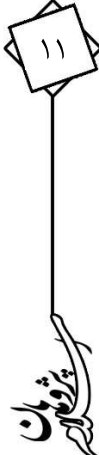
علامه طباطبائی رحمته الله در بحث انگیزه نفاق در مکه و مدینه می‌گوید:

انگیزه و علت نفاق منحصر در ترس و یا به دست آوردن خیر عاجل نیست، چون ممکن است کسی به امید نفع و خیر مؤجل و دراز مدت نفاق بورزد، و ممکن است کسی به انگیزه تعصب و حمیت نفاق بورزد، و یا انگیزه‌اش این باشد که نسبت به کفر قبلی خود عادت داشته، دست برداشتن از عادت برایش مشکل باشد، و همچنین ممکن است انگیزه‌هایی دیگر باعث نفاق شود و هیچ دلیلی در دست نیست که دلالت کند بر اینکه پای این انگیزه‌ها در مورد هیچ یک از مسلمانان مکه در کار نبوده، بلکه از بعضی از همان مسلمانان نقل شده که در مکه ایمان آورده و سپس برگشته.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: قمی مشهدی، محمدرضا، *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*، ج ۶، ص ۱۲۲؛ محمدی‌ری‌شهری، محمد، *میزان‌الحکمه*، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

۲. نیشابوری، نظام‌الدین، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، ج ۶، ص ۳۹۴.

۳. طباطبائی، سید محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲۰، ص ۱۴۱.



برای تحلیل دقیق از وضعیت نفاق در عصر رسول خدا ﷺ در مکه نیازمند بررسی شواهد قرآنی، روایی و تاریخی می‌باشیم.

الف) آیات مربوط به نفاق در مکه به اختصار اشاره می‌شود:

۱. قرآن کریم در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره عنکبوت، وجود منافقین در مکه میان

یاران پیامبر را افشاء می‌کند: بعضی مردم می‌گویند:

ما به خدا ایمان آوردیم و چون آزاری در راه خدا ببینند فتنه

خلق را با عذاب خدا برابر شمردند و هرگاه نصرتی از جانب خدایت

(به مؤمنان) رسید گویند ما با شما بودیم. آیا خدا بر آنچه در دل‌های

خلایق است داناتر نیست؟ و قطعاً خدا مومنان و منافقان را می‌شناسد.<sup>۱</sup>

این دو آیه در سوره مکی عنکبوت، قرار دارد و از نفاق در مکه سخن

می‌گوید. صرف‌نظر از مکی بودن آن، اصولاً مشتمل بودنش بر شکنجه در راه

خدا خود بهترین دلیل است بر اینکه در مکه نازل شده‌اند؛ چرا که در مدینه از

شکنجه در راه خدا خبری نبود. این آیه می‌تواند شاهدهی باشد بر حضور منافقان

در جمعی تازه مسلمان که به سهولت نمی‌توان آنان را شناسایی کرد و قرآن با

بیان ویژگی‌های این افراد، سایر مسلمانان را هشیار و با تعبیراتی عمومی و بعضاً

نشانه‌هایی منافقان را رسوا می‌نماید.

۲. آیه ۵ سوره هود نیز، امت پیامبر ﷺ را از حضور منافقین در جمع خود

قبل از هجرت به مدینه در مکه آگاه می‌کند:

آگاه باشید، آن‌ها (منافقان)، سینه‌هایشان را (برای نجوا) در کنار

هم قرار می‌دهند، تا خود (و سخنان خود) را از او (پیامبر) پنهان دارند.

آگاه باشید، آنگاه که آن‌ها لباس‌هایشان را به خود می‌پیچند و خویش

را در آن پنهان می‌کنند، (خداوند) آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند می‌داند؛ چرا که او از اسرار درون سینه‌ها، آگاه است.<sup>۱</sup>

۳. آیه ۳۱ سوره مدثر منافقین حاضر در مکه را این گونه توصیف می‌کند؛ آنان که در دل‌هاشان مرض (شک و جهالت) است.<sup>۲</sup>

گرچه در این آیه نامی از نفاق به میان نیامده است، ولی یکی از اوصاف آنان (بیمار دلی) بیان شده است.

ب) روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام و گزارشات تاریخی مربوط به نفاق در مکه به اختصار اشاره می‌شود:

اسلام ابوبکر به نیت طمع در قدرت گرفتن با اطلاع از شکست‌ناپذیری اسلام در پاسخ امام زمان به سعد بن عبدالله اشعری قمی.<sup>۳</sup>

عمر بن خطاب در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مواردی با ایشان مخالفت کرد. در جایی تصریح کرد که به نبوت او شک کرده است.<sup>۴</sup> مخالفت‌های او مکرراً تا جایی که در میان یاران نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز اعلام تردید می‌کند و در موارد ابراز وفاداری روبروی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد نشان از نفاق او دارد.

### حضور منافقین در مدینه بعد از هجرت

وضعیت اجتماعی و سیاسی اسلام بعد از هجرت با قبل از آن متفاوت بود و شرایط به نفع جامعه اسلامی در بالاترین حد خود بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بدو ورود به مدینه با استقبال مردم مواجه شد و شرایط تشکیل حکومت مهیا بود. وقتی مرکب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از «ثنية الوداع» (در نزدیکی شهر) سرازیر گردید و گام به خاک یثرب

۱. هود: آیه ۵.

۲. مدثر: آیه ۳۱.

۳. ر.ک: الصدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة؛ ج ۲، صص ۱۹۱-۲۰۵.

۴. ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، ج ۲، ص ۳۷۱.

نهاد؛ جوانان و مسلمانان مقدم پیامبر ﷺ را گرامی شمرده و با طنین سرودهای شادی، محیط مدینه را مملو ساخته بودند.<sup>۱</sup> بالتبع این رویش، مواجهه مخالفین اسلام در قالب نفاق، از همان ابتدای ورود حضرت، آغاز و در ادامه تبدیل به یک جریان شد و منافقان از نزاع درونی دست برداشته و با همبستگی جدی‌تری دست به اقدامات تخریبی علیه اسلام زدند. قرآن نیز آنان را افرادی هم فکر که همبستگی شدیدی دارند، معرفی می‌نماید:

مردان و زنان منافق، همه از یک گروهند، آنها امر به منکر و نهی از معروف

می‌کنند.<sup>۲</sup>

در این آیه برای بیان همبستگی میان منافقان تعبیر ﴿بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ را به کار برده است. مفسران از همین تعبیر در آیات دیگر شدیدترین نوع همبستگی را استفاده کرده‌اند و گفته‌اند آنها آن چنان به یکدیگر وابسته و پیوسته‌اند که گویا یکی هستند.<sup>۳</sup>

ورود و استقرار پیامبر ﷺ در مدینه به معنای قدرت گرفتن و استقلال سیاسی و جغرافیایی اسلام بود؛ زیرا حضرت در منطقه‌ای استقرار یافته بود که اکثر آنان طریق مسلمانی گزیده و متعهد به حمایت از رسول خدا ﷺ شده بودند. بنابراین، در جایی که اسلام قدرت داشت، دشمنی ظاهری ثمره‌ای نداشت، بلکه با گذشت زمان و تثبیت قدرت اسلام در مدینه و پیروزی حضرت بر مشرکان و یهودیان غیرممکن بود. همه این مسائل سبب شد در مدینه از ابزار «نفاق» به صورت جدی‌تری استفاده شود. بنابراین مخالفین تصمیم گرفتند در ظاهر، اظهار اسلام کنند، ولی در باطن و در پنهان دشمنی نمایند.

۱. سبحانی تبریزی، جعفر، *فروع/ابدیت*، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲. توبه: آیه ۶۷.

۳. مطهری، مرتضی، *پانزده گفتار*، صص ۱۲۲-۱۲۱.



برای تحلیل دقیق از وضعیت نفاق در عصر رسول خدا ﷺ پس از هجرت نیازمند بررسی شواهد قرآنی، روایی و تاریخی می‌باشیم.

الف) آیات مربوط به نفاق در مدینه به اختصار اشاره می‌شود:

۱. آیه ۶۳ سوره نور در مورد منافقینی که در کندن خندق در جنگ احزاب

در شرایطی دست از کار کشیده و با دستور پیامبر مخالفت می‌کردند.<sup>۱</sup>

خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند و یکی پس از

دیگری فرار می‌کنند می‌داند. پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند باید

بترسند از این که فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد.<sup>۲</sup>

۲. آیه ۵ سوره منافقون پیرامون مقاومت عبدالله بن ابی نسبت به پیشنهاد

طلب استغفار از پیامبر به خاطر توهین او به حضرت در گفتوگو با زید بن ارقم

در غزوه بنی‌مصطلق؛ او طلب استغفار را سجده بر آن حضرت تلقی کرد!

«وقتی که به آنان گفته شود بیاید تا پیامبر برای شما استغفار

کند؛ آنها را می‌بینی که سرهای خود را تکان می‌دهند و اعراض کرده و

تکبر می‌ورزند».<sup>۳</sup>

۳. آیه ۵۸ سوره توبه در مورد خرده گرفتن منافقان در تقسیم غنائم جنگ

حنین این‌گونه اشاره کرده است:

و در میان آنها کسانی هستند که در تقسیم غنائم به تو خرده

می‌گیرند؛ اگر از غنائم، سهمی به آنها داده شود، راضی می‌شوند و اگر

داده نشود، خشم می‌گیرند.<sup>۴</sup>



۱. ر.ک: حمیری، عبدالملک بن هشام؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۷۰۱.

۲. نور: آیه ۶۳.

۳. منافقون: آیه ۵.

۴. توبه: آیه ۵۸.

۴. کلبی روایت می‌کند که مردی از منافقان نزد پیامبر ﷺ آمد و اظهار داشت: یا رسول الله آیا گمان می‌کنی که خدا به تو دستور داده است که صدقات را به فقرا و مساکین بدهی؟ و گفته شده در یک مورد وقتی پیامبر ﷺ غنائم جنگ حنین را بین اصحاب تقسیم می‌کرد، حرقوص بن زهیر (رئیس خوارج) با لحن اعتراض‌آمیز اظهار داشت: یا رسول الله عادلانه تقسیم نما!<sup>۱</sup>

ب) روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و گزارشات تاریخی مربوط به نفاق در مدینه به اختصار اشاره می‌شود:

۱. ماجرای سربچی عبدالله بن اُبی در جنگ احد و تحریک، جداسازی و برگرداندن یک سوم سپاه اسلام قبل از جنگ به مدینه.<sup>۲</sup>

۲. در صلح حدیبیه که مسلمین در ماجرای اعجاز جوشیدن آب از چاه به امر پیامبر عبدالله بن اُبی در میان یاران تخریب را ادامه داده و به اوس بن خولی گفت من چیز خاصی ندیدم و در مواجهه با رسول خدا ظاهراً استغفار کرد.<sup>۳</sup>

۳. همچنین ابن اُبی بارانی را که در غروب همان روز بارید و آب زیاد شد، به ستاره شعری نسبت داد و گفت: این نشانه فال خوب پاییز امسال است که به علت جایگاه ستاره شعری به ما باران باریده است.<sup>۴</sup>

این عبارت عدم ایمان او را روشن می‌کند.

۴. در جریان نزاع بین مهاجران و انصار در غزوه بنی مصطلق عبدالله بن اُبی اظهار داشت که وقتی به مدینه برگردد پیامبر را اخراج خواهد کرد، اما وقتی

۱. حمیری، عبدالملک بن هشام؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۹۳۳.

۲. بیهقی، دلائل النبوه فی احوال صاحب الشریعة، ج ۳، ص ۲۰۸.

۳. ر.ک: واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۲، صص ۵۸۹-۵۸۸.

۴. یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه: حسینی عربی، ج ۳، ص ۳۲۰.

خزرجی‌ها وی را سرزنش کردند قسم خورد که چنین نگفته و به دروغ به وی نسبت داده‌اند.<sup>۱</sup>

۵. جریان تمسخر پیامبر ﷺ توسط «زید ابن لصیت قینقاعی» از یهودیانی که از روی نفاق اظهار اسلام کرد؛ وقتی شتر پیامبر گم شده بود گفت:

محمد گمان می‌کند پیامبر خداست و از آسمان خبر می‌آورد در حالیکه اکنون شترش گم شده و نمی‌داند کجاست!<sup>۲</sup>

۶. «رافع ابن حریمله» شخصی که رسول خدا هنگام مرگ او فرمود: «امروز یکی از بزرگان منافقین مرد».<sup>۳</sup>

### حضور منافقین در مکه بعد از فتح

شرایط مکه پس از فتح از جهاتی به مدینه پس از هجرت شباهت داشت و همانطور که اسلام در مدینه حکومت داشت در مکه نیز استعلاء پیدا نمود و به تبع قدرت اسلام، جریان کفر و شرک سیاست خود را از مخالفت و مبارزه علنی به نفاق تغییر داد. برای تحلیل دقیق از وضعیت نفاق در عصر رسول خدا ﷺ پس از فتح مکه نیازمند بررسی شواهد قرآنی، روایی و تاریخی می‌باشیم.

الف) آیات مربوط به نفاق در مکه بعد از فتح به اختصار اشاره می‌شود:

۱. زمانی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا در آیند<sup>۴</sup>، مقارن فتح مکه و بعد از فتح مکه این موج سراسر عربستان را گرفت و به ناچار قرشی‌هایی که تا فتح مکه با اسلام مبارزه می‌کردند دیگر مبارزه

۱. حمیری، عبدالملک بن هشام، پیشین، ج ۳، ص ۷۵۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۳.

۳. همان.

۴. نصر: آیات ۱-۲.

را بیهوده دیدند، چاره‌ای نداشتند از این‌که بگویند ما هم اسلام آوردیم؛ یعنی تظاهر به اسلام بکنند.<sup>۱</sup>

۲. در آیات ۲۶-۲۷ آل عمران می‌خوانیم:

بگو بار الها ای مالک حکومت‌ها! به هر کس بخواهی حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی می‌گیری؛ هر کس را بخواهی عزت می‌دهی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری...<sup>۲</sup>

هنگامی که پیامبر بشارت فتح کاخ‌های روم و... را داد، منافقین زبان به طعن گشودند؛ آیه فوق نازل شد و پاسخ آنها را گفت. طبرسی در مجمع البیان دو شأن نزول برای آیه ذکر نموده؛ یکی زمانی که پیامبر ﷺ به اتفاق مسلمانان مشغول حفر خندق در اطراف مدینه بود و دیگری در فتح مکه که به مسلمانان نوید داد که به زودی کشورهای ایران و روم نیز زیر پرچم اسلام می‌روند و منافقان، این مطلب را اغراق‌آمیز دانسته و با تعجب گفتند: محمد به مدینه و مکه قانع نیست و طمع فتح ایران و روم دارد. در این هنگام، آیه نازل شد.<sup>۳</sup>

ب) روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام و گزارشات تاریخی مربوط به نفاق در مکه بعد از

فتح مکه

۱. نقشه و اقدام منافقین در عقبه جهت قتل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از حجة الوداع و معرفی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام در غدیر به گزارش حذیفه و معرفی آنان توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که شماره آن گروه چهارده نفر بود، نه تا از قریش و پنج نفر از بقیه مردم.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: مطهری، مرتضی، پیشین ج ۲۶، ص ۳۱۶.

۲. آل عمران: آیات ۲۶-۲۷.

۳. «مجمع البیان»، ذیل آیه مورد بحث؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۷، صص ۱۶۹-۱۷۰ و ج ۲۰، صص ۱۸۸-۱۸۹.

۴. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، صص ۱۹۷-۱۹۹.

## جمع بندی

در بخش بررسی حضور منافقین در عصر پیامبر ﷺ به اذعان تاریخ از زبان شیعه و سنی هیچ تردیدی نیست و این مسئله در آیات متعددی تصریح شده است و با وجود تلاش های فراوان جریان نفاق برای ظاهرسازی و پاک کردن رد پای خود، تاریخ و روایات اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه پیامبر ﷺ کیفیت اقدامات و بعضاً اسامی آنها را افشاء می نماید. در این فصل تبیین گردید که منافقین در هر سه بخش مهم تاریخ نبوت؛ مکه پیش از هجرت، مدینه پس از هجرت و مکه پس از فتح حضور داشته اند. این جریان از هیچ گونه اقدامی برای ضربه به پیامبر ﷺ از تحریف، دروغ پرداکنی، تضعیف روحیه، جاسوسی برای مشرکین و یهودیان تا تلاش برای قتل نبی مکرم اسلام ﷺ دریغ نکردند.

## سیره رفتار اعتدالی پیامبر ﷺ با منافقین

در این بخش سیره اعتدالی پیامبر ﷺ با منافقین مورد بررسی قرار می گیرد، اما پیش از آن لازم است این مطلب مشخص شود که محور اعتدال در رفتار پیامبر ﷺ بر اساس چه معیاری قابل ارزیابی می باشد. آیا بر اساس عرف، سیره عقلاء و اجماع می توان به رفتار اعتدالی مشخصی دست پیدا نمود که یقیناً مورد تأیید همه صاحبان اندیشه باشد و رفتار همه را با آن ارزیابی کرد؟ اگر سیره عقلاء را قادر به تعیین اکمل مصادیق اعتدال ندانیم چگونه می توان اعتدالی بودن سیره نبوی را برای غیرمسلمانان ثابت نمود؟

حجیت عقل نزد عقلاء مورد تأیید و در اسلام از عقل تعبیر به حجت باطنی شده است. امام کاظم (علیه السلام) فرمود: خداوند را بر مردم دو حجّت است: حجّتی آشکار و حجّتی پنهان. اما حجّت آشکار، رسولان و پیامبران و امامانند. اما حجّت باطنی، عقل هاست. <sup>۱</sup> با

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۶.



وجود حجیت عقل و به تبع سیره عقلاء ضرورت دارد دامنه آن مشخص شود که عقل تا چه حد و چگونه می‌تواند در تشخیص رفتار اعتدالی تعیین‌کننده باشد.

مرحوم مظفر<sup>۱</sup> پیرامون سیره عقلا می‌گوید: آنچه مورد اتفاق است این است که سیره عقلا باید مورد قبول شارع باشد، تا بتوان از آن در امور شرعی استفاده کرد.<sup>۱</sup> مشهور در علم اصول سیره عقلا را به تنهایی حجت و دلیل حکم شرعی نمی‌داند، بلکه باید تأیید و موافقت شارع با مفاد آن احراز شود.<sup>۲</sup> در احکام عقل نیازمند تأیید شرع می‌باشد، لذا شاید بتوان محدودیت فهم مستقل عقل در امور جزئی را مناط‌گیری کرد.

۲۰

عقل از نظر نوع مُدرکات به بدیهی و غیربدیهی تقسیم می‌شود. عقل بدیهی، آن چیزهایی که مورد اختلاف واقع نمی‌شوند، خواه در ذات خود بدیهی باشند یا نظری، مانند قواعد هندسی یا امور چون الظلم قبیح یا العدل حسن که در ذات خود نیز بداهت دارند. و هیچ انسان عاقلی در صحت آنها تردید نمی‌کند. در مقابل، عقل غیربدیهی که در مُدرکاتش اختلاف است، مانند اختلاف فقها در فهم متون دینی و...<sup>۳</sup>

بنابراین، عقل در امور جزئی از این منظر، گرفتار ابهام بوده و نمی‌توان حدود مشخصی را برای آن معین نمود. پس آنچه عقل به آن حکم می‌کند و می‌توان نتیجه آن را صحیح دانست، کلیات است و به تنهایی نمی‌تواند مسیر صحیح را در تشخیص جزئیات طی نماید و از این روست که خداوند عقل را در کنار وحی قرار داده و در واقع آنچه که در امور جزئی حجت است عقل و حیانی است.

۱. مظفر، محمدرضا، اصول فقه، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. جمعی از نویسندگان، الفائق فی الاصول، ص ۹.

۳. ر.ک: محقق حلی، نجم‌الدین، الرسائل التسع، ص ۲۱۶.

پس در کیفیت پذیرش اعتدال رفتاری سیره عقلاء نمی‌تواند معیار ثابتی در جزئیات مشخص یا سیره معتدلی را تأسیس نماید و به‌عنوان معیار اعتدال عرضه کند، ولی با این حال عقل امکان درک و تأیید کلی نسبی سیره رفتاری را دارد، لذا وقتی سیره نبوی به عقلاء عرضه شود به اعتدالی بودن نسبی آن اذعان می‌کنند. از این‌رو سیره اعتدالی پیامبر ﷺ می‌تواند برای معتقدان، محیین پیامبر و حتی آزاداندیشان الگو باشد.

در این بحث علی‌رغم پیش‌فرض گرفتن وجود اعتدال در سیره رفتاری نبوی با منافقین برای درک عرفی و عقلی اعتدال در سیره پیامبر ﷺ دو طرف افراط و تفریط رفتاری در مصادیق سیره معتدل آن حضرت بیان می‌شود. در ادامه این نوشتار بررسی می‌شود که پیامبر ﷺ با چه تدابیر هوشمندانه‌ای ضربات منافقان را خشی نموده است تا آنان به اهداف خطرناک خود که نابودی اسلام بود نرسند.

برخورد با نفاق به دلیل ویژگی‌هایش از دشواری خاصی برخوردار است که نه می‌توان آن را به حال خود گذاشت و نه با برخوردهای صرفاً تهاجمی به مقابله آن رفت. در شکل اول چون میکروبی بدنه جامعه را بیمار و در حالت دوم با مظلومیت‌نمایی اذهان را فریب می‌دهد. دقت در نوع برخورد پیامبر ﷺ با این جریان الگویی است برای برخورد با جریان‌های مشابه اجتماعی که در اعصار مختلف رخ می‌دهد.

سیره اعتدالی پیامبر ﷺ در برخورد با منافقین را می‌توان در پنج محور کلی؛ سیره پذیرش و فرصت‌دهی، سیره هدایتی، سیره مدارا، سیره افشاء‌گری (دفع توطئه) و سیره برخورد قاطع بیان نمود.

### الف) سیره پذیرش و فرصت‌دهی

بر اساس این سیره، پیامبر ﷺ در مواردی که اقتضای پذیرش و مهلت داشت اسلام ظاهری افراد را می‌پذیرفتند و در موارد به افرادی که باطن پلید خود را نشان داده بودند را بنا بر مصالحی فرصت می‌دادند.



در این گونه موارد پیامبر ﷺ با منافقین چنان با اعتدال برخورد می کردند که راه اصلاح باز باشد و همچنین با فرصت دادن حجت را بر آنها تمام کرده باشد. در این سیره علاوه بر این که راه بر مدعیان ایمان باز بود در عین حال تدبیر حضرت ﷺ سبب کنترل و بسته شدن دست آنان می گردید. از جمله با مسئولیت دادن، نظارت ویژه داشتن، آگاه نمودن خواص از ماهیت و سوء نیت برخی از منافقین و...

۱. ابوسفیان دشمن دیرینه اسلام که علیه پیامبر جنگ های بدر، سویق، احد و خندق را فرماندهی کرده و نیز در مکه در دل مردم رعب ایجاد کرده بود، پس از مخالفت های مداوم ناکام ماند سرانجام در فتح مکه که راه چاره ای نمانده بود، ناگزیر با خواندن شهادتین اسلام ظاهری آورد. با وجود اینکه اسلام او و بسیاری از طلقا ظاهری بود پیامبر ﷺ پذیرفت و به او مقامی داد.

به گفته واقدی؛ سرانجام پس از دشمنی و پیکارهای متعدد، ابوسفیان در سال ۸ق. به هنگام فتح مکه به یاری و وساطت عباس بن عبدالمطلب، نزد پیامبر ﷺ آمد و اسلام آورد و پیامبر خانه او را پناهگاه امن اعلام کرد.<sup>۱</sup>

در اینجا پیامبر ﷺ به مشرکان فرصت بازگشت و مسیر اصلاح را باز گذاشت. از طرفی افرادی همچون ابوسفیان که چهره تأثیرگذاری در بین اهل مکه داشته مقام داد. پیامبر نه او را به قتل رساند و به مردم این پیام را دادند که اسلام دین کشتار نیست و نه او را به کلی رها کرده تا به اسلام ضربه بزنند، لذا لازم بود ظرفیت تأثیرگذاری او در خدمت اسلام باشد. در واقع با این تدبیر میانه، حضرت تصمیمی معتدل اتخاذ نمود.

۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۲، ص ۸۱۸.



۲. یکی دیگر از نمونه‌های سیره پذیرش و فرصت‌دهی به منافقین قبول ادعای مسلمانی آنها ولو اسلام ظاهری از روی ترس و متوسل شدن به دروغ می‌باشد. سیره حضرت ﷺ در مواقع جنگ، نهی از کشتن کسانی بود که از روی ترس و برای حفظ جان، اسلام می‌آوردند.

ابن هشام گزارشی از محمد بن اسحاق پیرامون مردی یهودی بنام مرداس بن نَهِیک که در جنگ از ترس اسلام آورد و اسامه او را کشت نقل می‌کند. اسامه بن زید می‌گوید: من و مردی از انصار بر او سبقت گرفتیم و چون بر او اسلحه کشیدیم، گفت شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز الله نیست. می‌گوید: ما از او دست نکشیدیم تا این که او را کشتیم، سپس نزد پیامبر ﷺ آمدیم و خبرش را گفتیم. حضرت فرمود: اسامه؛ چه کسی است برای تو به واسطه کلامی که او اقرار کرد؟ می‌گوید گفتم: ای رسول خدا او فقط برای کشته نشدن به آن پناه برد این را گفت. حضرت دوباره فرمود: چه کسی است برای تو به واسطه کلامی که او اقرار کرده؟ اسامه گفت: سوگند به کسی که او را به حق فرستاده بود، آن را برای من تکرار می‌کرد تا آنجا که دوست می‌داشتم هرگز اسلام نیاورده بودم و در آن روز اسلام آورده بودم، و من او را نکشته بودم.<sup>۱</sup>

### ب) سیره هدایتی

سیره هدایتی پیامبر ﷺ هم متوجه منافقین و هم متوجه دوستان آنها که تحت تأثیرشان بودند صورت می‌گرفت تا آنان از شر توطئه و فریب منافقین نجات پیدا کنند.

در این سیره، نبی مکرم ﷺ به گونه‌ای اعتدالی برخوردهایی داشتند که فریب‌خوردگان و حتی برخی از منافقین هدایت می‌شدند و اگر خود آن منافق

۱. حمیری، عبدالملک بن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۶۲۳.



هم قابل هدایت نبود، تأثیرگذاری این سیره در پراکنده شدن افراد از گرد منافق بی نظیر بود و هدایت‌گری پیامبر ﷺ جامعه را از گرفتار شدن در دام منافقان نجات می‌داد.

۱. عیاشی ذیل آیه ۷۹ سوره توبه از ابوالجارود و او از امام محمدباقر علیه السلام روایت کند که علی بن ابی طالب علیه السلام برای آب دادن باغی از قرار هر دلوی یک تمرة اجرت گرفت. وقتی که از کار خلاصی یافت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد که صدقات آن را پردازد. عبدالرحمن بن عوف که بیرون درب خانه پیامبر ایستاده بود شروع به عیب‌جوئی از حضرت علی علیه السلام نمود سپس این آیه و آیه ۸۰ نازل گردید.<sup>۱</sup>

منافقین، مؤمنینی که صدقه می‌دادند را به استهزا گرفته؛ «آنهایی که از مؤمنان مطیع، در صدقات‌شان عیب‌جویی می‌کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار توانائی خود دسترسی ندارند مسخره می‌کنند، خدا آنها را مسخره می‌کند و برای آنها عذاب دردناکی است!»<sup>۲</sup>

قرآن یکی از ویژگی‌های منافقین که تمسخر مؤمنین بود را فاش می‌کند و آنان را اهل عیب‌جویی و تمسخر معرفی می‌کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به تقویت مبانی اعتقادی جامعه پرداختند و در راستای هدایت به نتایج ملموس دنیوی و اخروی انفاق اشاره نمودند.

۲. در جریان تقسیم غنائم پس از جنگ حنین عده‌ای از منافقین با تبلیغات مسموم و شبهه‌بی‌عدالتی سعی در تفرقه و تضعیف چهره رهبر جامعه دینی داشتند. این ماجرا به بیان واقدی به شرح زیر است.

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. توبه: آیات ۷۹-۸۰.



در جنگ حنین، پیامبر ﷺ نسبت به «مؤلفه قلوبهم» امتیازات ویژه اقتصادی قائل شدند. منافقان تبلیغات مسموم خود را گسترش دادند تا جایی که به خود حضرت هم اعتراض کردند که در تقسیم اموال دادگری نمی‌کنی! تخریب به اندازه‌ای وسیع بود که در دل گروهی از انصار کدورت ایجاد شد و حتی بزرگانی از انصار چون سعد بن عباده هم دچار تردید شد. در این شرایط تذکرات معرفتی آن حضرت ترفند خطرناک منافقان را خنثی کرد.<sup>۱</sup>

ابن سعد نیز این واقعه را این‌گونه گزارش نموده است: رسول خدا ﷺ هنگام تقسیم غنایم نخست به اشراف قریش و قبایل عرب سهم داد تا دل‌های آنان را به اسلام متمایل سازد. سپس ما بقی شمارش و بین مردم تقسیم شد. چون پیامبر ﷺ به اشراف قریش و عرب سهم‌های کلان داد، گروهی از انصار زبان به طعن و اعتراض گشودند. پیامبر ﷺ در جمع انصار سخنانی ایراد کرد و ایشان را شرمنده و خشنود ساخت و در حق آنان دعا فرمود.<sup>۲</sup>

این سیره هدایتی برکات فراوانی در جامعه اسلامی آن عصر داشت. حضرت رسول ﷺ با ظرافتی حکیمانه یک فتنه فکری و تهاجم فرهنگی منافقین را به یک پیروزی چند بُعدی تبدیل نمودند. در این جریان حضرت ﷺ با هدایت‌گری اولاً آتش فتنه را خاموش نموده و ثانیاً بدون درگیری با منافقین و بزرگ‌تر نمودن فتنه، ابزار آنها را ناکارآمد ساخته و در نتیجه گفتمان اصحاب وفادار، ولی گرفتار شبهه و فریب‌خورده از صف منافقان جدا شده و منافقین یا همچون بقیه اصحاب ظاهراً یا قلباً همراهی نموده و یا طرد شدند. در حالیکه در چنین شرایطی اگر رهبری جامعه در این فتنه دچار افراط و تفریط می‌بود همین اعتراض تبدیل به یک آسیب جدی در بدنه اسلام و زمینه‌ساز قوی‌تر شدن منافقین می‌گردید. اگر

۱. ر.ک: واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۳، صص ۹۴۴-۹۵۲.

۲. ر.ک: ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، صص ۱۵۶-۱۵۲.



در توجه به فتنه تفریط صورت می‌گرفت و پاسخ این اعتراض تبیین نمی‌شد، قطعاً منافقین اقدام بزرگ‌تری را آغاز و افراد بیشتری را از صف وفاداران به پیامبر اسلام ﷺ جدا می‌کردند یا اگر حضرت از تصمیم صحیح خود کوتاه آمده و سر تسلیم فرود می‌آورد دست منافقین برای تخریب چهره پیامبر خدا ﷺ باز می‌شد. از جهتی دیگر اگر نسبت به این فتنه با افراط برخورد می‌شد، یعنی منافقین و بقیه معترضان هم‌صدا با آنها، سرکوب می‌شدند بی‌شک منافقین به هدف خود نائل می‌آمدند و تعداد بیشتری از افراد جامعه نبوی نیز گرفتار تردید و حتی کینه نسبت به حضرت ﷺ می‌شدند.

۲۶

### ج) سیره مدارا

در بسیاری از موارد پیامبر ﷺ با منافقان از راه مدارا وارد می‌شدند و از خطاهای آن‌ها چشم‌پوشی می‌کردند و با نرمش برخورد می‌کردند. این برخوردهای کریمانه - که گاه حتی بعضی از بزرگان اصحاب را هم خوش نمی‌آمد<sup>۱</sup> - تأثیرات عمیق فردی و اجتماعی می‌گذاشت، چهره منافقان و نفاق را آشکارتر، و مظلومیت کاذبی را که در کسب آن می‌کوشیدند خنثی و زمینه تخریب نفاق را محدود می‌کرد.

پیامبر ﷺ در مکه و مدینه ظلم بسیاری از دشمنان خود دید، اما هیچ وقت تصمیمات و اقداماتشان به نیت تلافی نبود، بلکه با رفتار پسندیده با دشمنانش برخورد کرد و از همین رو قرآن کریم از اخلاق آن حضرت به «خلق عظیم» یاد می‌کند: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup>.

۱. ر.ک: مجلسی، محمدباقر، پیشین، ج ۲۱، ص ۱۹۹.

۲. قلم: آیه ۴.

بر اساس همین سیره مدارا است که پیغمبر ﷺ با آن که از حضور منافقان که به ظاهر اسلام آورده بودند آگاه بود، ولی تا زمانی که اقدامی بر ضد مسلمانان انجام نمی‌دادند، کاری با آنان نداشت و یا حتی در فتح مکه که تظاهر به اسلام داشتند، گذشته آنان ملاک قرار نمی‌گرفت.

پیامبر ﷺ بارها در پاسخ کسانی که پیشنهاد قتل منافقان را مطرح می‌کردند، از چنین کارهایی نهی می‌کرد.

۱. مربع بن قیظی منافقی بود که در هنگام عبور سپاهیان اسلام از مزرعه‌اش در جنگ احد، به پیامبر ﷺ جسارت نمود. یاران و اصحاب رسول خدا ﷺ می‌خواستند وی را بکشند؛ ولی آن حضرت با کمال لطف و مدارا از وی در گذشت و فرمود: «با این مرد لجوج کوردل کاری نداشته باشید.»<sup>۱</sup>

این سیره با نگاه برون دینی نیز رفتاری معتدل و به دور از افراط و تفریط است. با وجود اینکه پیامبر ﷺ رهبر یک حکومت مقتدر بودند و می‌توانستند آن فرد را مجازات کنند، ولی از اهانت‌های به شخص خودشان گذشت می‌کردند و با اخلاقی نیکو در قلب افراد، حتی منافقین محبت ایجاد می‌کردند در حالیکه برخورد افراطی با افرادی که توان اقدام عملی بر علیه اسلام ندارند از طرفی فرصتی برای مظلوم‌نمائی منافقین در اذهان عمومی خواهد بود و آنها را به سمت پیشروی در نیات سوء و تخریب بیشتر سوق می‌دهد و منجر به قطع امید از هدایت آنها می‌شود. همچنین با وجود این همه گذشت و مدارا در مواقع لازم برخوردی متفاوت داشتند. برخورد با افرادی که به دین جسارت می‌کردند یا احکام الهی را زیر سؤال می‌بردند و یا مردم را هتک حرمت می‌کردند، به گونه‌ای دیگر بود.

۱. سبحانی، جعفر، فروغ‌البدیت، ج ۲، ص ۳۸.



### د) سیره افشاگری (دفع توطئه)

سیره افشاگری پیامبر ﷺ بسیار هوشمندانه و با درایت، نقشه منافقین را خستی و با روشن‌گری موجب مقاوم‌سازی امت می‌گردید.

#### جریان توطئه در عقبه و نقشه قتل پیامبر

منافقین بعد از واقعه غدیر راه را در انحراف نهضت اسلام بر خود بسته دیدند و نقشه قتل پیامبر ﷺ را داشتند. حذیفه این اقدام را این‌گونه گزارش می‌دهد: رسول خدا ﷺ باقی آن روز و شب را راه رفت تا به آن عقبه‌ای که آن گروه جلو رفته بودند نزدیک شد. پس آن گروه در پیچ گردنه پنهان شدند و با خودشان دبه‌هائی برده بودند و در آن ریگ ریخته بودند. رسول خدا ﷺ من را و عمار یاسر را خواست و دستور داد من و او جلوی شترش را بگیریم و بکشیم تا اینکه بالای کوه رسیدیم. ناگاه آن گروه از پشت سر ما هجوم آوردند و آن دبه‌هایی که همراه داشتند در میان دست و پای شتر پیامبر ﷺ افکندند و شتر بترسید و نزدیک بود که بیفتد. پیامبر ﷺ صدا زد که آرام باش که باکی بر تو نیست. حیوان را خدا به سخن آورد و گفت ای رسول خدا ﷺ دستم را از جایش بر ندارم و ثابت نگهدارم تا زمانی که تو بر فراز پشتم قرار داری آن گروه به طرف شتر آمدند تا او را پرت کنند. من و عمار جلو رفتیم تا آنان را با شمشیر بزنیم آن شب تاریک بود آنان از ما جدا شدند و از آنچه گمان داشتند ناامید شدند و به ما پشت کردند. من عرض کردم ای رسول خدا این گروه کیستند و چه خیالی داشتند فرمود ای حذیفه اینان منافقند در دنیا و آخرت. عرض کردم ای رسول خدا، آیا گروهی از جمعیت را نمی‌فرستی که سرهایشان را بیاورند. فرمود: خدا بمن فرمان داده که از ایشان دوری کنم. خوش ندارم که مردم بگویند همانا پیامبر ﷺ جمعی از قوم خودش و یارانش را که به سوی دینش دعوت کرد و آنان پذیرفتند و به همراه آنان جنگید و تا بر دشمنش پیروز شد آنها را کشت.

ای حذیفه واگذار ایشان را که همانا خدا برایشان در کمین است اندکی اینان را مهلت دهد بعد به ناچار عذابی سخت کند. عرض کردم این گروه منافقان کیانند؟ از مهاجرانند یا از انصارند؟ یکی یکی نامشان را برد تا تمام شدند و در میان آن گروه کسانی بودند که که خوش ندارم نامشان را ببرم.<sup>۱</sup>

در این گزارش شاهد چندین تدبیر حکمیانه و به دور از افراط و تفریط هستیم. حضرت در آن شرایط بسیار حساس و خطرناک پس از واقعه غدیر دو نفر از یاران خاص را با خود همراه می‌کند یعنی با آمادگی لازم و به همراهی افراد خالص یعنی اهل سرّ به استقبال این حوادث می‌روند و توطئه منافقین را با اعتدالی کامل و تدبیری منحصر به فرد خنثی می‌کنند و در ادامه وقتی نقشه قتل اجرا می‌شود دو اقدام اساسی صورت می‌دهند.

اول این که افشاگری منافقین به اسم و رسم در سطح مطلوبی انجام شد و فقط به دو یار باوفا که شاهد واقعه بودند گفته می‌شود. این مطلب مهم نه به صورت افراطی در سطح عمومی بیان می‌شود تا فتنه‌ای عظیم اسلام را تهدید کند و نه با سکوت در آن تفریطی صورت می‌گیرد.

دوم اینکه با وجود فراهم بودن شرایط برای از بین بردن این منافقین، ولی این مسأله با اصولی معتدل تدبیر می‌شود و اجازه داده نمی‌شود تا قتل آنان دستاویز دشمنان برای ضربه به پایه‌های اسلام باشد. و از طرفی روشن‌گری در سطح خود صورت می‌گیرد تا برای مقابله نرم آمادگی لازم در میان خواص وجود داشته باشد.



۱. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب الی الصواب*، ج ۲، صص ۱۹۷ و ۱۹۹.

### هـ) سیره برخورد قاطع

در آیات قرآن و گزارشات تاریخی سیره پیامبر اعظم ﷺ با منافقان در موارد گوناگونی شاهد رفتار قاطع ایشان هستیم. بعضی از اقدامات منافقان که موجب آسیب به مسلمین و فتنه‌انگیزی در جامعه اسلامی می‌شد و اعمال افراد مستوجب حد الهی بود، بدون هیچ‌گونه ارفاقی حد جاری می‌شد. موارد همچون حق الناس، اجرای حدود الهی، اقدام عملی بر علیه حکومت اسلامی.

۱. عبدالله بن اُبی، مسطح بن اُثانه و دیگر کسانی که در ماجرای «افک» تهمت زده بودند تازیانه خوردند.<sup>۱</sup>

بنابراین هر جا فتنه منافقان متوجه آحاد جامعه اسلامی می‌شد پیامبر اکرم ﷺ از حق افراد و جامعه نمی‌گذشتند. در این گونه وقایع می‌توان مجازات بیش از حد یا مجازات به نیت انتقام‌جویی و آسیب به قبیله را نگاه افراطی دانست همانطور که این رفتار در میان مشرکین شایع بود و همین‌طور بی‌تفاوتی نسبت به این گونه خطایا از روی ترس از اقدامات تلافی‌جویانه نگاهی تفریطی دانست.

در برخی موارد که هجمه بر علیه حکومت اسلامی صورت می‌گرفت، رسول خدا ﷺ نیت منافقان را افشاء و قاطعانه و با جدیت تمام، برخی از منافقان را رسوا و نیت شوم آنها را در ضربه به حکومت اسلامی بر ملا می‌کردند.

۲. سازندگان مسجد ضرار گروهی از منافقان مدینه و از قبیله بنی غنم بن عوف بودند که تصمیم گرفتند مسجدی بنا کنند تا در نماز جماعت مسجد قبا حاضر نشوند.<sup>۲</sup>

۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۳.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، ج ۱، صص ۳۲۹-۳۳۰؛ حلبی، علی بن ابراهیم، السیرة الحلبیه، ج ۳، ص ۲۰۳.



پس از ساخت مسجد، بانیان آن نزد پیامبر ﷺ رفتند و از آن حضرت خواستند برای افتتاح این مسجد در آنجا نماز بخواند تا از برکت دعای پیامبر برخوردار گردند. اما پیامبر ﷺ که عازم غزوه تبوک بود، درخواست آنان را به پس از بازگشت از سفر موکول کرد. هنگامی که پیامبر ﷺ از تبوک بازگشت و به جایی به نام ذی‌آوان (یا آروان) نزدیک مدینه رسید، آیات الهی درباره این مسجد نازل شد.<sup>۱</sup> و آن‌هایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و تفرقه میان مؤمنان است و (نیز) کمین‌گاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم (ولی) خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.<sup>۲</sup>

پس از نزول آیه ۱۰۷ توبه، پیامبر ﷺ به مالک بن دُخشم و مَعْن بن عَدی (یا به برادر او عاصم بن عدی و به قولی دیگر، به گروهی از جمله وحشی، قاتل حمزه) امر فرمود تا این مسجد را ویران کنند و آتش بزنند و آنان نیز این بنا را با خاک یکسان کردند.<sup>۳</sup>

پس از نزول این آیات رسول خدا ﷺ برخوردی قاطع اتخاذ نمودند. در این برهه که منافقین حرکتی تشکیلاتی را رقم زده‌اند و توانسته‌اند با ایجاد پایگاه و رهبری نفاق، مقدمات مقابله با نظام اسلامی را کامل کنند. بر هم زدن نقشه دشمن جز با برخوردی قاطع محقق نمی‌شود و معتدل‌ترین رفتار همین اقدام بود. بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت سازمان یافته منافقین در مکانی به نام مسجد، رفتاری تفریطی خواهد بود و عدم رسواسازی و باقی ماندن مسجد، معادله قدرت

۱. حمیری، عبدالملک بن هشام، پیشین، ج ۴، صص ۱۷۴-۱۷۳.

۲. توبه: آیات ۱۰۸-۱۰۷: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرًا لِمَنْ حَازَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يُشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا﴾

۳. واقدی، محمد بن عمر، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۴۶؛ حمیری، عبدالملک بن هشام، پیشین، ج ۴، صص ۱۷۴-۱۷۳؛ حلبی، علی بن ابراهیم، پیشین، ج ۳، ص ۲۰۲.

سیاسی و فرهنگی جامعه را تغییر می‌دهد و در مقابل کشتار منافقین همچون سیره رفتاری مشرکان رفتاری افراطی است.

### نتیجه‌گیری

پژوهش «سیره اعتدالی پیامبر اعظم ﷺ در رفتار با منافقین» در سه بخش؛ کلیات و مفهوم‌شناسی، حضور منافقین در عصر پیامبر ﷺ، سیره رفتاری پیامبر ﷺ با منافقین تدوین شده است.

در بخش اول واژگان کلیدی بررسی شد. در بخش دوم تبیین گردید که از ابتدای بعثت منافقین در میان مسلمین حضور و فعالیت داشتند. در بخش سوم سیره رفتاری پیامبر با منافقین بر محور اعتدال تبیین شد.

کارآمدترین و معتدل‌ترین رهبری توسط پیامبر اسلام ﷺ صورت گرفته به نحوی که علاوه بر خنثی شدن نقشه‌های منافقین و به سبب رفتارهای اعتدالی کمترین آسیب را به دنبال داشته است.

پیامبر ﷺ بر اساس اصول واحد با توجه به مقتضیات موجود سیره رفتاری مشخصی در برخورد با منافقین داشتند که در این پژوهش پنج سیره؛ پذیرش و فرصت‌دهی، سیره هدایتی، سیره مدارا، سیره افشاء‌گری (دفع توطئه) و سیره برخورد قاطع احصاء و بررسی گردید.

از آنجا که در هر عصری نفاق آفت نهال ایمان بوده است، بلکه همیشه از بزرگترین خطرات و تهدیدات جامعه اسلامی بوده و خواهد بود، سیره اعتدالی رسول مکرم اسلام ﷺ در رفتار با منافقین می‌تواند چراغ راهی برای تمام آحاد جامعه از حکمرانان تا توده امت اسلامی باشد و از اینرو می‌بایست همگان از این حوادث تاریخی عبرت گرفته و بالخصوص در شیوه تعاملی خود از گنجینه ارزشمند منحصر به فرد و سیره سراسر نور پیامبر ﷺ که متصل به وحی بوده را سرلوحه معرفتی و بصیرتی زندگی دینی و اجتماعی خود قرار دهند.



### منابع و مأخذ:

\* قرآن کریم.

۱. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۴. بلاذری، أحمد بن یحیی، *جمل من أنساب الأشراف*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۵. بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوة في احوال صاحب الشريعة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.
۶. حلبی، علی بن ابراهیم، *السيرة الحلبیة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۷. حمیری، عبدالملک بن هشام، *السيرة النبویة*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق.
۸. جمعی از نویسندگان، *الفائق في الاصول*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۴۱ق.
۹. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب الى الصواب*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۰. سبجانی تبریزی، جعفر، *فروغ ابدیت*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.



۱۱. عاملی، سیدجعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ*، قم: دارالحديث، ۱۳۸۵.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه: موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۱۷. قرشی بنابی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۸. قمی مشهدی، محمدرضا، *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*، قم: دارالغدیر، ۱۴۲۳ق.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۶۷.
۲۰. محقق حلی، نجم الدین، *الرسائل التسع*، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۱۳ق.



۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
۲۳. \_\_\_\_\_، پانزده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
۲۴. مظفر، محمدرضا، اصول فقه، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۳.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: زرین، ۱۳۸۶.
۲۶. نیشابوری، نظام‌الدین، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۲۷. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
۲۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی تا].
۲۹. یوسفی غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۳.
۳۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه فارسی، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲.



